



فرهنگ معاصر

واژه‌نامه میراث ماندگار

فارسی - انگلیسی

انگلیسی - فارسی

مزدک انوشه



واژه‌نامه میراث ماندگار

فارسی - انگلیسی
انگلیسی - فارسی

تألیف:

مزدک انوشه
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



فرهنگ معاصر
انتشارات

سرشناسه:	انوشه، مزدک، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور:	واژه‌نامه میراث ماندگار: فارسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی / تألیف مزدک انوشه؛ ویراستاران برنا زندکریمی، اشکان پوریان، رضا رحمانی.
مشخصات نشر:	تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۶۶۰ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	ص.ع.: به انگلیسی: Mazdak, Anoushe. A Dictionary of Everlasting Heritage
موضوع:	آثار فرهنگی - نگهداری و مرمت - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی
موضوع:	Cultural property - Protection - Dictionaries - English
موضوع:	آثار فرهنگی - نگهداری و مرمت - واژه‌نامه‌ها - فارسی
موضوع:	Cultural property - Protection - Dictionaries - Persian
موضوع:	صنایع دستی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی
موضوع:	Handicraft - Dictionaries - English
موضوع:	صنایع دستی - واژه‌نامه‌ها - فارسی
موضوع:	Handicraft - Dictionaries - Persian
موضوع:	فارسی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی
موضوع:	Persian language - Dictionaries - English
موضوع:	انگلیسی - واژه‌نامه‌ها - فارسی
موضوع:	English language - Dictionaries - Persian
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷ و ۸۰ الف / ۱۳۵ CC
رده‌بندی دیویی:	۳۶۳ / ۶۹۰۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۵۷۵۶۵۹

ISBN: 978-600-105-153-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۵-۱۵۳-۱



فرهنگ معاصر
انتشارات

تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، شماره ۲۸، کدپستی: ۱۴۱۶۸۶۴۱۸۲
تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲؛ واحد فروش: ۶۶۹۷۳۳۵۲؛ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸
E-mail: farhangmoaserpub@gmail.com Website: www.farhangmoaser.com

واژه‌نامه میراث ماندگار

انگلیسی - فارسی

فارسی - انگلیسی

مزدک انوشه

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۸ / تیراژ: ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً قابل پیگرد قانونی است.

مزدک انوشه

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

متخصصان حوزه‌ها

(به ترتیب نام حوزه)

ادبیات و سنت‌های شفاهی:

مهدی قنوتی، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی

باستان‌شناسی و زبان‌های باستانی:

مریم دارا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی فرهنگی:

رضا وحیدزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
حمید فدایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

زبان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی:

شبنم مجیدی، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گوش پژوهی:

پونه مصطفوی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

معماری و مرمت بافت و بنا:

سید هادی احمدی روئینی، پژوهشگر پژوهشگاه میراث فرهنگی

ویراستاران علمی:

برنا زند کریمی - اشکان پوریان - رضا رحمانی

مقدمه

۱. کلیات

از طلوع نهضت دستور زایشی از باختر و نیز در کشاکش نزاع‌های زبان‌شناختی در دههٔ هفتاد میلادی، همواره مرز روشنی میان ساحت نحو با حوزه‌های معنایی و آوایی نظام دستور زبان حاکم بوده و بیش‌وکم همهٔ رویکردهای زایشی پذیرفته بودند که در دستور ذهنی اهل زبان، دو بخش آوا و معنا ماهیت مستقل و جداگانه‌ای از نحو دارند؛ اما ساختواژه یا به تعبیر سنتی آن، صرف، در آن گیرودار قلمرو خودمختاری نداشت و پدیده‌های واژه‌سازی یا تحت لوای نحو قرار می‌گرفتند، یا در زمینه‌ای پسانحوی، به خدمت واج‌شناسی درمی‌آمدند. هرچند در برخی از انگاره‌های دستوری و نظریه‌های زبانی، ساختواژه حوزهٔ مستقلی برای خود یافت، اما در نظریه‌های غیر واژه‌گرا که از قضا امروزه سیطرهٔ خود را در زبان‌شناسی صوری گسترش داده‌اند و بخت و اقبال روشن‌تری نسبت به رقبای نظری خود دارند، «در» برای صرف بر همان پاشنه می‌چرخد و این حوزهٔ واژه‌ساز زبان، همچنان فاقد بخش مستقلی در نظام دستوری است.

ای‌سا شگفت بنماید که مقدمهٔ واژه‌نامهٔ اصطلاحات میراث فرهنگی که اصولاً باید به مفاهیم میراث و فرهنگ بپردازد یا دست‌بالا، با واژه‌گزینی و واژه‌سازی مرتبط باشد، با پیوند میان صرف و نحو آغاز شود؛ اما اگر به پیروی از نظریه‌های غیر واژه‌گرا بپذیریم که واژه‌سازی فرایندی مستقل و جدا از نحو و جمله‌سازی نیست، این سرآغاز — آن‌گونه که خواهیم دید — با محتوای اثر حاضر نامرتبط نخواهد بود؛ اثری که از دو دلبستگی پدیدآورندهٔ آن ریشه می‌گیرد: یکی دلبستگی به میراث فرهنگی سرزمین دیرپا و پایدار ایران؛ و

دیگری شیفستگی به میراث زبانی بی‌مانند و ماندگار فارسی.

در پیشینه زبان‌شناسی معاصر و به‌ویژه در عرصه نحو صوری، چستی رابطه میان ساختواژه و نحو یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین مباحث نظری بوده است. اهمیت این موضوع به دلیل جایگاه ممتاز یا متفاوت ساختواژه نسبت به دیگر حوزه‌های دستور، یعنی نحو، معناشناسی و واج‌شناسی نیست؛ بلکه فرض‌ها و نظریه‌پردازی‌های هر رویکرد زبانی در باب ماهیت رابطه ساختواژه و نحو غالباً شالوده‌انگاره دستوری آن رویکرد نظری را پی می‌ریزند.

با این همه، ماهیت بخش ساختواژه در دستور ذهنی آدمی هر چه باشد، اغلب انگاره‌های دستوری آن را خزانه‌ای در زبان می‌دانند که به طریقی نحو را تغذیه می‌کند و بنابراین، هر انگاره‌ای باید نوع اتم‌هایی را که به نحو راه می‌یابند، تعریف و تبیین کند. یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت رابط ساختواژه-نحو در این است که نوع اتم‌های تأمین‌کننده نحو از انگاره‌ای به انگاره دیگر متفاوت است. به هر روی، این موضوع چندان جای چون‌وچرا ندارد که در نظام ذهن و زبان آدمی، بخش مستقل و غیرفعالی واژه‌های زبان را ذخیره می‌کند. انشقاق‌های نظری عمده‌ای از این پرسش ریشه می‌گیرند که آیا حوزه‌ای زایا و جداگانه برای ساختن واژه وجود دارد یا خیر. در این باره دو رویکرد عمده را می‌توان بازشناخت که در برابر هم قرار دارند. رویکرد نخست که واژه‌گراست و نظریه‌هایی مانند حاکمیت و مرجع‌گزینی (چامسکی ۱۹۸۱) و دستور واژگانی‌نقشی (برزنان و کاپلان ۱۹۸۲) را شامل می‌شود، بر آن است که بخش‌های گروه‌ساز و واژه‌ساز دستور، دو بخش زایای مستقل‌اند. به بیان ساده‌تر، در این نظریه‌های زبانی، پیوند چندان‌ی میان واژه‌سازی و جمله‌سازی وجود ندارد و هریک از این دو فرایند مهم زبانی، اصول و محدودیت‌های ویژه خود را دارند و در بخش‌های مختلفی از ذهن شکل می‌گیرند. رویکرد دوم که غیر واژه‌گراست و نگاهی دیگرگونه به نظام دستوری دارد، تصریح می‌کند که تنها نحو عهده‌دار زادورود واژه‌های مرکب و گروه‌هاست. به گفته دیگر، طبق این رهیافت، اصول و محدودیت‌های یکسانی بر سازوکار ساخت واژه و جمله حاکم‌اند و لاجرم، هر دو فرایند به بخش واحدی از ذهن آدمی

تعلق دارند. در این رویکرد که نظریه‌هایی همچون معناشناسی زایشی (لیکاف ۱۹۷۱)، صرف توزیعی (هله و مرنتز ۱۹۹۳) و نانونحو (استارک ۲۰۰۹) را دربرمی‌گیرد، واژگان نه چشمه زاینده است و نه دولت پاینده؛ بلکه صرفاً خزانه غیرفعال و ناپایداری است که واژه‌های زبان‌ویژه را انباشته می‌کند.

برپایه نگاه دوم به دستور و نظام زبانی که قراین بسیاری در حمایت از آن می‌توان یافت، بخش جداگانه‌ای در دستور ذهنی اهل زبان به واژه‌سازی تعلق نمی‌یابد و واژه‌های از پیش ساخته‌ای وجود ندارند که از واژگان وارد اشتقاق نحوی شوند؛ بلکه در همان قلمرویی که فرایندهای نحوی دست‌به‌کار تولید سازه‌های مرکبی مثل عبارت و جمله می‌شوند، واژه‌سازی هم رخ می‌دهد. معنای این سخن آن است که واژه‌سازی، همپا و همتای جمله‌سازی، بخش فعال، خلاق و زیای هر زبانی است، و اگر زبانی بتواند بی‌شمار جمله تازه و ناشنیده بیافریند — که بی‌تردید هر زبان بشری می‌تواند چنین کند — لاجرم محدودیتی در تولید واژه‌های جدید ندارد؛ و اینجاست که پیوند ناگسستنی صرف و نحو در ساخت سازه‌های مرکبی مانند واژه، عبارت و جمله، با موضوع اثر حاضر پیوند می‌یابد.

با چنین رویکردی به ساحت ذهن و زبان، تردیدی نمی‌ماند که زبان ریشه‌دار و غنی فارسی که دوره‌های سه‌گانه باستان و میانه و نو را پیموده و این‌چنین صیقل‌یافته و با پیشینه‌ای گران‌سنگ به دستان‌مان رسیده، همان قدر که در ساخت جمله — به نظم و نثر — توانمند و کارآمد است و از بیان هیچ مفهومی یا انتقال هیچ اندیشه‌ای باز نمی‌ماند، طبیعتاً به همان اندازه در به واژه درآوردن مفاهیم و پدیده‌های تازه نیرومند و تواناست. از این رو، نگرانی‌ها یا تردیدهایی که دست‌کم از عصر مشروطه بدین سو، گاه‌وبی‌گاه درباره امکانات زبان فارسی در واژه‌سازی ابراز شده، نه تنها بی‌مورد است، بلکه با آموزه‌های زبان‌شناختی هم که بیشتر بدانها اشاره شد، سازگاری ندارد. در این گیرودار، آنان که منزلت زبان فارسی را فروانگاشته‌اند یا فرایند واژه‌سازی در برابر اصطلاحات بیگانه را جد و جهدی بیهوده برشمرده‌اند، اگر به جد گرفتار جهل نباشند، مبهوت فرهنگ ناخودی‌اند و سمت‌وسوی نگاه‌شان در بیش از یک هزاره، ای بسا به قدر نقطه‌ای

تغییر یافته باشد؛ چنان که از محمود زمخشری (درگذشت ۵۳۸ هجری)، صاحب مقدمه‌الادب و شیفته فرهنگ و زبان «عربی»، نقل است که «به عربی دشنام دهند، بهتر از آن است که به پارسی ستایش‌ام کنند» و این سوتر، تقی‌زاده راه رستگاری ایرانیان را در پذیرش تمام و کمال فرهنگ «عربی» یافته است.

خوشبختانه، در دوره پس از انقلاب مشروطه که با عصر دگرگونی‌های سترگ اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در جامعه ایران مصادف شده، نگاه سنتی به زبان فارسی دستخوش تحول شده است و این میراث ماندگار و مشترک ایرانیان که در روزگار جدید، کارکردها و وظایف تازه‌ای بر دوش خود یافته، رفته‌رفته خود را به جایگاه زبان علم برکشیده است. در این روند، اگر تأسیس فرهنگستان اول در ۱۳۱۴ نماد بیرونی این تغییر رویکرد باشد، پی‌ریزی فرهنگستان سوم پس از انقلاب اسلامی بی‌تردید نمود علمی شدن و سامان یافتن فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی است.

افزون بر تلاش‌های عالمانه و منسجمی که در بخش واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای برابرگزینی واژه‌های عمومی و اصطلاحات تخصصی بیگانه صورت گرفته، در چند دهه اخیر فرهنگ‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌های متعددی به‌کوشش پژوهندگان و متخصصان حوزه‌های مختلف علم جامعه طبع برپوشیده‌اند. در این میان، واژه‌نامه تخصصی حاضر نیز تلاشی است برای گردآوری و تدوین اصطلاحات عرصه گسترده میراث فرهنگی و شاخه‌های علمی مرتبط با آن. هرچند این مجموعه به‌صورت دوسویه، یعنی انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی تدوین و تنظیم شده، اما شالوده آن بر سویه انگلیسی - فارسی استوار است.

۲. دامنه فرهنگ

از منظر محتوایی، اثر حاضر طبق تعاریف معیار که برگرفته از میثاق‌های بین‌المللی نهادهای فرهنگی مرتبط و از جمله سازمان جهانی یونسکو است، به هر دو حوزه میراث ملموس (مادی) و ناملموس (معنوی) در قالب بخش‌های کلان زیر نظر داشته، ضمن آن که عجالتاً از دو حوزه صنایع دستی

و گردشگری صرف نظر کرده است. این بخش‌ها و نشانه اختصاری مربوط به آنها به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از:

۱.۲. ادبیات و نمایش [اد]

شامل اصطلاحات ادبی، سنت‌های شفاهی و هنرهای نمایشی و اجرایی. بنابراین، این حوزه نه تنها شگردها و فنون ادبی و آرایه‌های لفظی و معنایی را فهرست می‌کند (مانند قافیه، سجع، جناس، حسامیزی، استعاره، مجاز، کنایه) و اصطلاحات سنت‌های شفاهی را دربرمی‌گیرد (مانند سیاه‌بازی، خیمه‌شب‌بازی، تعزیه، نقال و نقالی، پرده‌خوانی، حاجی فیروز، لوده‌گری) بلکه واژه‌های تخصصی داستان‌نویسی، نمایش‌نامه‌پردازی و هنرهای نمایشی (مانند پیرنگ، دسیسه، بزنگاه، انواع کمدی و تراژدی، عروسک‌گردانی، تک‌گویی) و حتی مفاهیم مرتبط با تماشاخانه، بازیگری و اجرا نیز با این برچسب مشخص شده‌اند (مانند تماشاخانه رومی، صحنه، پیش‌صحنه، سکوی نمایش، جایگاه، پرده، نور پس‌زمینه، جامه‌دار، بازیگرافزار، چهره‌پردازی).

۲.۲. باستان‌شناسی [ب]

شامل اصطلاحات علم باستان‌شناسی، شیوه‌های تدفین و گورگونه‌ها، رزم‌افزارها و سنگ‌ابزارهای باستانی، و عنوان تمدن‌های کهن و سلسله‌ها و دودمان‌های تاریخی. بدین ترتیب، در این حوزه افزون بر این‌که واژه‌های تخصصی باستان‌شناسی مدخل شده‌اند (مانند تاریخ‌گذاری‌های کربنی و کاتیونی، گمانه، کاوش شبکه‌ای، لایه شاخص، لایه‌نگاری، باستان‌سنجی)، روش‌های باستانی واسپاری جسد و انواع گورها (مانند خاک‌سپاری، آتش‌سپاری، تدفین جنینی، گور پله‌ای، گورپشته، گور دالان‌دار، آرامگاه چندحجره‌ای)، تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن و تخصص‌های مرتبط با آنها (مانند هخامنشیان، مصر سلسله‌ها، فرهنگ گورخانی، آشورشناسی، تمدن میسنی، تمدن اسلامی)، و یافته‌ها، ابزارها و رزم‌افزارهای باستانی نیز آمده‌اند (مانند خشت، سفالینه، سفال‌نبشته، خمره، زوبین، دفینه رزم‌افزار، سنان).

۳.۲. حفاظت و مرمت اشیاء [ح]

شامل اصطلاحات علم شیمی، خوردگی، روش‌های حفاظت از اشیاء و شیوه‌های مرمت و بازسازی آنها. متخصصان حوزه حفاظت و مرمت اشیاء فرهنگی و هنری از یک سو با مفاهیم علمی شیمی و شاخه‌های وابسته به آن آشنا هستند و از سوی دیگر با اشیائی سروکار دارند که آسیب دیده‌اند یا نیازمند حفاظت و مرمت‌اند. از این رو، مداخل ذیل این برچسب، نه تنها شامل اصطلاحات علمی حوزه‌های یادشده می‌شوند (مانند انجماد، ذوب، محلول، قلیا و اسید، اسیدسنجی، واکنش زنجیره‌ای، روش آستون‌رزین) و خوشه‌واژه‌های انواع آسیب (مانند خوردگی اسیدی، زنگ‌زدگی، لکه‌زایی، ترک‌خوردگی پوست‌سوسماری، خستگی سابشی، سفیدک زدن) و حفاظت و مرمت (مانند تمیزکاری اسیدی، زنگ‌زدایی، لکه‌زدایی، پوشانش، پوش‌رنگ، آب‌کاری، جلادهی) را به دست می‌دهند، بلکه اشیاء و آثار و فرایندهایی را نیز دربرمی‌گیرند که مرمتگران با آنها سروکار دارند (مانند خوش‌نویسی، نقاشی، صحافی کتب نفیس، انواع چوب، منبت‌کاری، میناکاری، جواهر تراشی). از این گذشته، اصطلاحات عمومی موزه‌داری نیز در ذیل همین برچسب قرار گرفته‌اند (مانند جذبایی نور، نم‌زدایی، خستگی آکوستیکی، کیفیت هوا). بدیهی است که بخشی از اصطلاحات حفاظت و مرمت اشیاء با واژه‌های عرصه مرمت بافت‌ها و بناهای تاریخی همپوشانی دارد و آنجا که فرایند مرمت بیشتر با علم محضی چون شیمی سروکار دارد، در مقابل مدخل مورد نظر برچسب [ح] درج شده است.

۴.۲. زبان‌شناسی و گویش‌پژوهی [ز]

شامل اصطلاحات زبان و زبان‌شناسی — از هر دو منظر تاریخی و هم‌زمانی — و به‌ویژه دو حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌پژوهی. زبان که ابزاری ارتباطی و نهادی اجتماعی به‌شمار می‌رود و ذیل عنوان کلی میراث ناملموس می‌گنجد، پیوند نزدیکی با مردم‌شناسی و قوم‌پژوهی و حتی سنت‌های ادبی و شفاهی دارد. براین اساس، مداخلی که با این برچسب گرد آمده‌اند، از یک سو با مفاهیم زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان مرتبط‌اند (مانند

فهم‌پذیری، فهم دوسویه، زبان جامعه، گروه اکثریت، برنامه‌ریزی زبان و دوزبانگی) و از سوی دیگر، واژه‌هایی را دربرمی‌گیرند که هر زبان‌شناس و گویش‌پژوهی در مطالعه محض زبان به آنها نیاز دارند (مانند اصطلاحات حوزه‌های آواشناسی، صرف، نحو، معناشناسی و تحلیل گفتمان). گفتنی است که مهم‌ترین خانواده‌های زبانی جهان و خانواده‌های زبانی هندواروپایی نیز با درج همین برچسب مدخل شده‌اند.

۵.۲. عقیده و سنت و آیین [ع]

شامل عقاید و باورهای قومی، رسوم و سنت‌های اجتماعی، و کنش‌های آیینی و گروهی. اصطلاحات این حوزه اگرچه ممکن است نمود عینی هم داشته باشند (مانند آیین قالی‌شویان، رسم نخل‌گردانی، سفره هفت سین، نماز جماعت)، اما ذیل عنوان کلی‌تر میراث ناملموس می‌نشینند. عقیده و سنت و آیین از مفاهیمی‌اند که در علومى مانند انسان‌شناسی و قوم‌پژوهی بررسی و تحلیل می‌شوند و لاجرم میان این دو بخش که در اثر حاضر با دو برچسب مختلف تفکیک شده‌اند، پیوند نزدیکی برقرار است. در این بخش اصطلاحات دین‌پژوهی (مانند خداشناسی، توحید، معاد، فرجام‌شناسی، آخرالزمان، اصول دین، فقه، کفر، الحاد)، عناصر باورهای قومی، مذهبی و اساطیری (مانند روح، فرشته، آل، شگون، قسمت، جام جم)، آیین‌ها و مناسک (مانند نماز، مداحی، عشای ربانی، نوروز، جشن خرمن، زائونمایی، تاج‌گذاری)، اشیاء و ابزارهای آیینی (مانند حنا، خرقة، کفن، تسبیح، فیروزه، عقیق، ناقوس، تاج)، اشخاص و مکان‌هایی که با عقاید و رسوم مرتبط‌اند (مانند عروس، ساق‌دوش، مهمان، شادروان، روحانی، کشیش، مسجد، کلیسا، آتشکده)، مدخل شده‌اند.

۶.۲. قوم‌پژوهی و انسان‌شناسی [ق]

شامل علوم وابسته‌ای مانند انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و قوم‌نگاری. حوزه‌های یادشده که می‌توانند ذیل علم انسان‌شناسی بگنجد، از مهم‌ترین شاخه‌های میراث ناملموس به‌شمار می‌روند، زیرا از یک‌سو با باستان‌شناسی و تاریخ در پیوندند

و از دیگر سو، همپوشانی بسیاری با علمی همچون جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌پژوهی دارند. افزون‌براین، مفاهیمی چون سنت و آیین و باور عمدتاً از منظر انسان‌شناسی بررسی می‌شوند و حتی یک‌سوی سنت‌های شفاهی و هنرهای نمایشی را می‌توان در مطالعات مردم‌شناسی پی گرفت. بدین ترتیب و با توجه به گستردگی این حوزه، مداخل گوناگونی با برچسب یادشده مشخص شده‌اند؛ از جمله اصطلاحات علمی شاخه‌های وابسته (مانند مردم‌شناسی، مردم‌گیاه‌شناسی، قوم‌نگاری، طب قومی، جامعه‌شناسی خانواده، تبعیض نژادی، مراحل گذار)، روابط خویشاوندی و مفاهیم برآمده از آنها (مانند پدر، پدرسالاری، نیای مادری، سکونت زن‌مکانی، دایی زاده، دایی مکانی)، ازدواج و انواع پیوندهای زناشویی (مانند صیغه، ازدواج برون‌گروهی، خواهرزن‌گزینی، وصلت عموزادگان، تک‌همسری و چندهمسری، ناهم‌کیش‌ستانی)، شیوه‌های زندگی (مانند برون‌کوچی، بیلاق‌وقشلاق، مهاجرت اجباری، قبیله‌گرایی، چادرنشینی، شهرنشینی).

۷.۲. گاهشماری و کیهان‌شناسی [گ]

شامل دانش بومی دربارهٔ زمین و زمان و کیهان و نیز انواع گاهشماری و تقسیم‌بندی زمان به دوره‌های زمین‌شناختی و تاریخی. براین اساس، این حوزه که به نسبت هفت حوزه دیگر گسترهٔ کوچک‌تری دارد، عموماً این نوع اصطلاحات را دربرمی‌گیرد: تقسیم‌بندی زمان جاری (مانند شب و روز، سال کبیسه، قرن، هزاره، ایام هفته، ماه‌ها و فصول سال، بروج دوازده‌گانه)، دوره‌های زمین‌شناختی و تاریخی (مانند عصر یخبندان، دورهٔ جرسه‌ای، دورهٔ هندسی، عصر آهن، عصر مفرغ پایانی، قرون وسطا)، انواع گاهشماری (مانند گاهشماری ایرانی، گاهشماری هجری، تقویم گریگوری، تقویم میلادی)، اصطلاحات مربوط به پدیده‌های آسمانی و اجرام سماوی و به‌ویژه ماه و خورشید (مانند هلال، منازل ماه، بدر پاییزی، کسوف و خسوف، طلوع و غروب، آذرخش، شهاب)، و صورت‌های فلکی و سیارات منظومهٔ شمسی (مانند دب اکبر، اسد اصغر، شاه‌تخته، ناهید، بهرام، کیوان، مشتری). گفتنی

است که در این نوع برچسب‌دهی، اصطلاحی مانند «قرون وسطا» یا «دوره میانه» ذیل عنوان گاهشماری [گ] قرار می‌گیرد، اما اصطلاحات متناظر «باستان‌شناسی قرون وسطا» و «معماری قرون وسطایی» به ترتیب با برچسب باستان‌شناسی [ب] و معماری [م] متمایز می‌شوند.

۸.۲. معماری و مرمت [م]

شامل معماری و مرمت بافت‌ها و بناهای تاریخی و فرهنگی، تزیینات داخلی سازه‌ها، و شیوه‌ها و سبک‌های معماری. این حوزه که ذیل عنوان کلی میراث ملموس می‌گنجد، غالباً آشنا‌ترین بخش برای مخاطبان عمومی میراث فرهنگی است. مهم‌ترین مداخلی که با برچسب یادشده مشخص شده‌اند، عبارت‌اند از: شیوه‌های معماری (مانند معماری خرسنگی، معماری میان‌رودان، معماری ایرانی، معماری اسلامی، شیوه خراسانی، معماری قرون وسطایی)، بناهای گوناگون (مانند خانه، کلبه، قلعه، آرامگاه، بقعه، ساختمان جنبی)، سازه‌های مختلف معماری (مانند انواع قوس، طاق، گنبد، ایوان، ستون، بام، منار)، اجزا و بخش‌های مختلف بنا (مانند در و دیوار، شیشه، پنجره، قرنیز، کف‌پوش)، عناصر، مصالح و فرایندهای ساخت‌وساز (مانند آهک، سیمان، آجر، آجرچینی، پی، پی‌کنی، گچ‌بری، آینه‌کاری، کاشی‌کاری)، گونه‌های آسیب و محافظت (مانند نم و رطوبت، فرسایش، زمین‌لرزه، مهاربندی، شمع‌کوبی، قیرمالی، نم‌بندی) و اصطلاحات مربوط به بافت و محوطه (مانند شهر قدیم، باغ‌آرایی، طراحی منظر، نهالستان، تالاب).

۳. ساختار فرهنگ

با توجه به هشت حوزه معرفی‌شده که هریک زیرمجموعه‌های گوناگونی را شامل می‌شوند، اثر حاضر از یک سو می‌کوشد تا برابرنهاده‌های فارسی مناسبی برای اصطلاحات عرصه میراث فرهنگی و علوم وابسته به آن فراهم آورد و از سوی دیگر بر آن است تا ضمن تنظیم همین اصطلاحات با توالی فارسی، معادل‌های انگلیسی برای مفاهیم ویژه میراث فرهنگی ایران زمین

به دست دهد. در این زمینه، باید توجه مخاطبان و کاربران اثر حاضر را به نکات ضروری زیر جلب کرد:

۱.۳. ای بسا گفتن ندارد که عرصه‌های مختلف میراث فرهنگی، و به‌طور کلی شاخه‌های گوناگون علم، که بر روی یک پیوستار قرار دارند، گاه چنان در هم تنیده‌اند که به‌سادگی نمی‌توان حوزه دقیق هر اصطلاح تخصصی را مشخص کرد و اساساً، به‌ندرت ممکن است که یک مفهوم یا پدیده منحصرأ به یک رشته علمی خاص تعلق داشته باشد. برای مثال، همان‌گونه که هر دو علم فیزیک و شیمی از مفهوم «اتم» استفاده می‌کنند، در عرصه میراث فرهنگی نیز هر دو شاخه انسان‌شناسی و زبان‌شناسی با اصطلاحات «گوش اجتماعی»، «مردم‌شناسی زبان» و «زبان‌شناسی مردم‌شناختی» در پیوندند و از این رو، نمی‌توان این مفاهیم را متعلق به این یا آن حوزه از علم دانست. به‌همین ترتیب، «آتش‌سپاری» اگرچه روشی باستانی برای امحای جسد است و در اثر حاضر نیز با برچسب [ب] مشخص شده، اما همین اصطلاح می‌تواند ذیل حوزه «عقیده و سنت و آیین» هم بنشیند و برچسب [ع] بیابد. به‌هر روی، بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات تخصصی میراث فرهنگی میان باستان‌شناسی و معماری، میان مرمت اشیاء و حفاظت بنا، یا میان آیین و نمایش مشترک‌اند.

۲.۳. به‌رغم اشتراکات فراوانی که میان اصطلاحات تخصصی حوزه‌های مختلف میراث فرهنگی یافت می‌شود، پدیدآورنده این اثر ناگزیر بوده که برای رعایت اختصار، تنها به درج نشانه یک حوزه بسنده کند؛ گو این‌که در انتخاب خود، به خاستگاه اصلی هر اصطلاح و البته بسامد و میزان کاربرد آن در هر حوزه نیز توجه داشته است. مثلاً، اگرچه سازوکار «تدفین» و انواع آن با سنت و آیین یا عرصه قوم‌پژوهی مرتبط است، اما از آنجا که این مفاهیم عمدتاً در علم باستان‌شناسی پا گرفته و رواج یافته‌اند، در برابر اصطلاحاتی مانند «تدفین جنینی»، «تدفین زورقی»، «خاکسپاری موقت» و «هواسپاری» نشانه اختصاری [ب]، به‌معنای باستان‌شناسی، درج شده است.

۳.۳. در مواردی که یک اصطلاح انگلیسی در عرصه‌های مختلف میراث فرهنگی، معانی متفاوتی می‌یابد، هر معنا به تفکیک و با نشانه اختصاری حوزه خود مشخص شده است. برای نمونه، اصطلاح «articulation» در زبان‌شناسی به معنای «تولید آوا» و در معماری به مفهوم «مفصل‌بندی سازه» به کار می‌رود. بنابراین، هر دو برابر نهاده یادشده در مقابل این اصطلاح انگلیسی آمده‌اند و به ترتیب، برای اولی نشانه [ز] و برای دومی نشانه [م] درج شده است. بر همین منوال، اصطلاح «category» در زبان‌شناسی و باستان‌شناسی، دو معنای متفاوت اما مشابه دارد و از این رو براساس آنچه نزد اهل فن رایج است، در مقابل این اصطلاح، به ترتیب از معادل‌های «مقوله» با نشانه [ز] و «رسته» با نشانه [ب] استفاده شده است. نکته مهم و درخور یادآوری آن که هدف از به کارگیری این نشانه‌های اختصاری به هیچ وجه تعیین شاخه علمی اصطلاحات نیست؛ بلکه نگارنده بر این باور بوده که از این رهگذر، مخاطب اثر آسان‌تر درمی‌یابد که هر مفهوم متعلق به کدام عرصه از میراث فرهنگی است و معادل فارسی آن را در چه قلمروی می‌تواند به کار برد. گویش پژوهی که واژه «category» را در این مجموعه می‌جوید، درمی‌یابد که برابر رایج آن در زبان فارسی، اصطلاح «مقوله» است و معادل «رسته» به علم باستان‌شناسی تعلق دارد.

۴.۳. در موارد ضروری به منظور راهنمایی بیشتر مخاطب و برای پرهیز از خلط مفاهیم یا واژه‌های مشابه، پیش از معادل‌های فارسی، توضیحی اضافه در درون قلاب افزوده شده است. برای مثال، پیش از «مقوله»، واژه «دستوری» و در مقابل «رسته»، واژه «یافته‌ها» در میان قلاب درج شده است. به همین ترتیب، افزوده شدن عبارت «صورت فلکی» پیش از معادل «پیاله» (برای اصطلاح انگلیسی «Crater») مانع از خلط این واژه فارسی با مفهوم «ظرف نوشیدن مایعات» می‌شود. گفتنی است که برای جلوگیری از تکرار و کاستن از حجم اثر، در بخش فارسی - انگلیسی نشانه‌های اختصاری نیامده‌اند و توضیحات درون کمانک (پرانتر) نیز تنها در موارد ضروری و به‌ویژه برای حفظ تمایز هم‌نامی، هم‌نویسگی یا چندمعنایی قید شده‌اند؛ مانند توضیحات

قبل از واژه «اقوام» که در دو معنای «خویشاوندان» و «قوم‌ها» به کار می‌رود. در برخی از موارد نیز توضیح درون کمانک «مرد/ زن» یا «مذکر/ مؤنث» بودن واژه مورد نظر را از هم تمیز می‌دهد (برای نمونه، بنگرید به واژه‌های «ایلاتی»، «بازیگر» و «بت‌پرست»). در مجموع، در بخش فارسی — انگلیسی به حداقل اطلاعات اضافه بسنده شده و مگر در اندک موارد یادشده، توضیح بیشتری کنار مدخل فارسی درج نشده است. بی تردید، مخاطب بخش فارسی — انگلیسی اثر پس از یافتن معادل انگلیسی هر اصطلاح، می‌تواند با مراجعه به بخش انگلیسی — فارسی، حوزه کاربرد اصطلاح مورد نظر خود را بیابد و احتمالاً توضیحات اضافه‌ای درباره آن به دست آورد.

۵.۳. در بخش انگلیسی — فارسی، معادل‌های هم‌معنای هر اصطلاح با نشانه ویرگول از هم جدا شده‌اند و عموماً معادل دقیق‌تر مقدم بر دیگر معادل‌ها آمده است. افزون‌براین، معادل‌های نزدیک به هم با نشانه نقطه و ویرگول، و معادل‌های کاملاً متفاوت با شماره‌گذاری از هم تفکیک شده‌اند؛ مانند نمونه زیر:

copy

[۱] ۱. [متن] رونوشت، نسخه

۲. [نحو] رونوشت

[۲] ۱. [دوباره‌سازی شده] مثنا

۲. [دوباره‌سازی] متناسازی

طبق نمونه بالا، اصطلاح «copy» در دو حوزه «زبان‌شناسی و گویش‌پژوهی» [ز]، و «معماری و مرمت» [م] به کار می‌رود و از قضا در هریک از این حوزه‌ها، دو معنا و کاربرد متفاوت دارد. در بخش «زبان‌شناسی و گویش‌پژوهی»، اصطلاح بالا یک بار به معنای «رونوشت» و «نسخه» (از یک متن) است و این دو معنای مرتبط و مشابه با نشانه سجاوندی و ویرگول از هم جدا شده‌اند. همین اصطلاح در عرصه نحو نیز که زیرمجموعه «زبان‌شناسی و گویش‌پژوهی» است، به معنای «رونوشت» به کار می‌رود؛ اما مفهومی که از این واژه در نحو

برمی آید، کاملاً متفاوت با مفهوم «رونوشت متن» است. به همین دلیل، معادل اخیر با شماره مستقل (عدد ۲) از دو معادل پیشین تفکیک شده است. در بخش «معماری و مرمت» هم اصطلاح «copy» با دو نقش دستوری متفاوت (اسم مفعول و حاصل مصدر)، دو معنای متمایز یافته و از این رو، در اینجا نیز این دو معادل مختلف، با دو عدد از هم جدا شده‌اند. چنان‌که پیشتر اشاره شد، با توجه به این‌که شالوه فرهنگ حاضر انگلیسی - فارسی است، در سویه فارسی - انگلیسی اثر، معادل‌های انگلیسی هر مدخل فارسی صرفاً با شماره‌گذاری از هم تفکیک شده‌اند و مخاطبان برای یافتن حوزه کاربرد هر اصطلاح انگلیسی می‌توانند به سویه انگلیسی - فارسی مراجعه کنند.

۶.۳. نکته آخر این‌که رسم الخط فارسی فرهنگ حاضر عمدتاً بر دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی مبتنی است و در تدوین مداخل و برابرنهاده‌های فارسی کوشش رفته است تا اصول جدا یا پیوسته‌نویسی و فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها رعایت شوند. بر این اساس، اصطلاح «سنگ‌فرش» (در برابر pavement) که واژه مرکب به‌شمار می‌رود، با نیم‌فاصله ضبط شده، اما میان اجزای گروه نحوی «سنگ فرش» (در برابر pavestone) فاصله کامل آمده است. این شیوه در هر دو سوی فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی حفظ شده است.

* * *

به هر تقدیر و بر مبنای ویژگی‌های پیش‌گفته، واژه‌نامه میراث ماندگار با قریب به سی‌هزار مدخل تدوین و منتشر شده و امید می‌رود که در مرحله بعد، مجموعه اصطلاحات گردشگری نیز بدان افزوده شود. در به‌ثمر رسیدن مجموعه حاضر، از حمایت‌های جناب آقای داود موسایی و همکاران فرهیخته‌شان در انتشارات فرهنگ معاصر، به‌ویژه خانم زهرا احمدی‌نیا و خانم مهدیه زارعی‌نژاد بسیار سپاس‌گزارم که این اثر را برای طبع و نشر مهیا کردند و در این مسیر، نگارنده را از پیشنهادها و اصلاحات بسیار سودمندشان

بهره‌مند ساختند. افزون‌براین، همکاری و مشاورهٔ یاران فرهیخته و دانشمند در پژوهشگاه میراث فرهنگی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، همواره پشتوانه و مایهٔ دلگرمی مؤلف بوده و با مشارکت همدلانهٔ ایشان، امکان تدوین مجموعهٔ حاضر فراهم آمده است. این همراهان مشفق که در جای خود نام و نشان‌شان آمده است، گذشته از آن‌که بخشی از فهرست اصطلاحات حوزهٔ تخصصی خود را گردآوری کرده‌اند، برابرنهاده‌های سودمندی نیز برای واژه‌های فهرست خود پیشنهاد داده‌اند.

امید است که واژه‌نامهٔ میراث ماندگار — با همهٔ کاستی‌ها و سهوهای که بدان راه یافته — بتواند گام کوچکی در خدمت به فرهیختگان و پژوهندگان و مترجمان حوزهٔ میراث فرهنگی و علوم وابسته به آن بردارد؛ و این مجموعه تقدیم به همهٔ ایشان است، همهٔ آنان که دستی توانمند یا دلی علاقه‌مند در گروی خدمت به عرصهٔ بیکران میراث فرهنگی سرزمین کهنسال‌مان دارند.

مزدک انوشه

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۹۷

گزیده کتابنامه

افزون بر آثار فارسی و انگلیسی زیر، در تدوین کتاب حاضر از مجموعه گسترده‌ای از واژه‌نامه‌های عمومی دوزبانه و تک‌زبانه نیز استفاده شده که به دلیل طولانی شدن فهرست، به نام آنها اشاره‌ای نشده است.

- آشوری، داریوش (۱۳۷۴). فرهنگ علوم انسانی. تهران: نشر مرکز.
- اشمیت، ر. (۱۳۸۶). راهنمای زبان‌های ایرانی. حسن رضائی باغبیدی (ویراستار) و گروه مترجمان. تهران: ققنوس.
- اکبری، محمدتقی، و دیگران (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امانی، مهدی و جمشید بهنام (۱۳۵۴). لغت‌نامه جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ‌نامه ادبی فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بريجانيان، ماری (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- پورجوادی، علی (۱۳۷۹). واژگان شیمی و مهندسی شیمی. ویرایش دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پورجوادی، علی (۱۳۸۴). واژه‌نامه شیمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: نشر آثار.
- داد، سیما (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- درزی، علی (۱۳۸۴). شیوه استدلال نحوی. تهران: سمت.
- ری درر، ژ. (۱۳۷۶). روش‌های جدید مرمت و نگهداری اموال فرهنگی. ابوالفضل سمنانی و حمید فرهمند برثجینی (مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- ریاحی، بزرگمهر (۱۳۷۹). واژه‌نامه ساختمان. تهران: سخن.
- طباطبائی، محمد (۱۳۶۷). فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی. مشهد: بنیاد فرهنگ رضوی.

کرمی، ماندانا (۱۳۸۴). فرهنگ مصور باستان‌شناسی. تهران: سمیرا.

گروه واژه‌گزینی (۱۳۹۴). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر اول تا دوازدهم). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) و گروه مترجمان. تهران: مازیار.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مرزبان، پرویز و معروف، حبیب (۱۳۷۱). فرهنگ مصور هنرهای تجسمی. تهران: سروش.

ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۶). واژه‌نامه باستان‌شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نقوی، سیدعلی محمد (۱۳۶۰). فرهنگ اصطلاحات اسلامی. تهران: انتشارات اسلامی.

همایون، همدخت (۱۳۷۹). واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

- Abrams, M.H. (1999). *A Glossary of Literary Terms*. 7th ed. Massachusetts: Heinle & Heinle.
- Bahn, P. (2004). *The New Penguin Dictionary of Archaeology*. London: Penguin Books.
- Baldick, Ch. (2001). *The Concise Oxford Dictionary of Literary Terms*. Oxford: Oxford University Press.
- Baldick, Ch. (2008). *The Oxford Dictionary of Literary Terms*. Oxford: Oxford University Press.
- Barnard, A. & Spencer, J. (2002). *Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology*. New York: Routledge.
- Bray, W. & Trump, D. (1984). *The Penguin Dictionary of Archaeology*. 2nd ed. London: Penguin Books.
- Britain, D. & Cheshire, J. (2003). *Social Dialectology*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Brooker, P. (2003). *A Glossary of Cultural Theory*. New York: Oxford University Press.
- Brown, E.K. & Miller, J. (2013). *The Cambridge Dictionary of Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Caple, C. (2000). *Conservation skills*. London: Routledge.
- Chapman, S. & Routledge, Ch. (2009). *Key Ideas in Linguistics and the Philosophy of Language*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Charles-Picard, G. (1972). *Larousse Encyclopedic Dictionary of Archaeology*. New Jersey: Chartwell Books Inc.

- Chilvers, I. (1990). *The Concise Oxford Dictionary of Art and Artists*. Oxford: Oxford University Press.
- Clarke, M. & Clarke, D. (2010). *The Concise Oxford Dictionary of Art Terms*. Oxford: Oxford University Press.
- Cowan, H.J. & Smith, P.R. (1998). *Dictionary of Architectural and Building Technology*. New York: Routledge.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th ed. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Daintith, J. (2008). *A Dictionary of Chemistry*. 6th ed. Oxford: Oxford University Press.
- Daniel, E.L. & Mahdi, A.A. (2006). *Culture and Customs of Iran*. London: Greenwood Press.
- Darvill, T. (2003). *The Concise Dictionary of Archaeology*. Oxford: Oxford University Press.
- Davies, N. & Jokiniemi, E. (2008). *Dictionary of Architecture and Building Construction*. London: Architectural Press.
- Desvallées, A. & Mairesse, F. (2010). *Key Concepts of Museology*. London: Armand Colin.
- Duranti, A. (2004). *A Companion to Linguistic Anthropology*. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Ember, M. & Ember, C.R. (2001) *Countries and Their Cultures*. New York: Macmillan Reference USA.
- Forsyth, M. (2008). *Materials & Skills for Historic Building Conservation*. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Gaillard, G. (2004). *Routledge Dictionary of Anthropologists*. London: Routledge.
- Harris, C.M. (2006). *Dictionary of Architecture and Construction*. 4th ed. New York: McGraw Hill.
- Ingold, T. (1994). *Companion Encyclopedia of Anthropology*. London: Routledge.
- Jacoby, J. & Kibbee, J.Z. (2007). *Cultural Anthropology, A Guide to Reference and Information Sources*. London: Libraries Unlimited.
- Kelly, R.L. & Thomas, D.H. (2006). *Archaeology*. Los Angeles: Wadsworth.
- Kipfer, B.A. (2007). *Dictionary of Artifacts*. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Kipfer, B.A. (2000). *Encyclopedic Dictionary of Archaeology*. New York: Kluwer Academic/ Plenum Publishers.
- Koutlaki, S.A. (2010). *Among the Iranians, A Guide to Iran's Culture and Custom*. Boston: Nicholas Brealey Publishing.
- Kreyenbroek, Ph.G. & Marzolph, U. (2010). *Oral Literature of Iranian Languages*. London: I.B. Tauris & Co Ltd.
- Liston, D. (1993). *Museum Security and Protection*. New York: Routledge.
- Lozny, L.R. (2006). *Landscapes Under Pressure*. New York: Springer.
- Macdonald, Sh. (2006). *A Companion to Museum Studies*. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Malmkjær, K. (2005). *The Linguistics Encyclopedia*. 2nd ed. New York: Routledge.

- Malmkjær, K. (2010). *The Routledge Linguistics Encyclopedia*. 3rd ed. New York: Routledge.
- Manacorda, S. & Chappell, D. (2011). *Crime in the Art and Antiquities World*. New York: Springer.
- Metcalf, P. (2005). *Anthropology, The Basics*. London: Routledge.
- Morris, B. (2006). *Religion and Anthropology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Newman, A.J. (2003). *Society and Culture in the Early Modern Middle East*. Boston: Brill.
- Orchin, M. (2005). *The Vocabulary and Concepts of Organic Chemistry*. 2nd ed. New Jersey: A John Wiley & Sons, Inc., Publication.
- Orser, Ch.E. (2002). *Encyclopedia of historical Archaeology*. London: Routledge.
- Palmer, A.L. (2008). *Historical Dictionary of Architecture*. Toronto: The Scarecrow Press, Inc.
- Pearsall, D.M. (2007). *Encyclopedia of Archaeology*. San Diego: Elsevier.
- Petersen, A. (1999). *Dictionary of Islamic Architecture*. London: Routledge.
- Preston, D.R. (2002). *Handbook of Perceptual Dialectology*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Price, T.D. (2006). *Principles of Archaeology*. New York: McGraw Hill.
- Rapport, N. & Overing, J. (2000). *Social and Cultural Anthropology, The Key Concepts*. London: Routledge.
- Ridpath, I. (1997). *A Dictionary of Astronomy*. New York: Oxford University Press.
- Shaw, I. & Jameson, R. (1999). *A Dictionary of Archaeology*. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Smith, L. & Akagawa, N. (2009). *Intangible Heritage*. London: Routledge.
- Stangos, N. (1994). *The Thames and Hudson Dictionary of Art and Artists*. New York: Thames & Hudson.
- Trask, R.L. (2005). *Key Concepts in Language and Linguistics*. London: Routledge.
- Windfuhr, G. (2009). *The Iranian Languages*. London: Routledge.

آ

air slaking	آبدیدگی در هوا	water	آب
1. canal 2. channel 3. waterway	آبراهه	1. limewater 2. milk of lime	آب آهک
	آبراهه = آب راه	1. populated 2. inhabited	آباد
1. alluvial deposit 2. alluvium	آبرفت	1. hamlet 2. village	آبادی
alluviation	آبرفت گذاری	aqueduct	آباره
alluvial	آبرفتی	1. cistern 2. reservoir	آب انبار
water-colour	آبرنگ	3. water reservoir	
cold water paint	آبرنگ سرد	1. ancestors	آباواجداد
1. reputation 2. prestige	آبرو	2. forefathers 3. forebears	
gutter	آبرو	hereditary	آباواجدادی
open channel	آبرو باز	1. flood gate 2. dam 3. barrage	آب بند
1. gutter 2. roof gutter	آبرو بام	sealing	آب بندی
side gutter	آبرو جانبی	hydration	آب پوشی
hanging gutter	آبرو معلق	hydrated	آب پوشیده
respectable	آبرومند	sister	آبیجی
1. comfort station 2. public toilet	آبریزگاه	1. drip 2. drip mould	آب چکان
dehydration	آبزدایی	3. larmier 4. lorymer 5. groove	
hydrogeology	آب زمین شناسی	drip edge	آب چکان بام
jacuzzi	آب زن	drip cap	آب چکان سردر
water blasting	آب زنی	dripstone	آب چکان سنگی
groundwater	آب زیرزمینی	bottle-nose curb	آب چکان لب گرد
hydrobios	آب زیستگاه	corrosive water	آب خورنده
1. aquatic disposal 2. fluvial	آب سپاری	drinking fountain	آب خوری
funeral 3. river burial 4. water burial		leakage	آب دادن
pregnant	آبستن	hydrated	آبدار
pregnancy	آبستنی	hydration	آبدار کردن
hydrosol	آب سل	1. hydrotherapy 2. hydropathy	آب درمانی
reef	آب سنگ	hydrophilic	آب دوست
heavy water	آب سنگین	hydration	آب دهی

firework	آتش بازی	hydrologist	آب شناس
fire-worshipper	آتش پرست	hydrology	آب شناسی
fire-worshipping	آتش پرستی	leaching	آب شویی
fire pit	آتش چال	gilding	آب طلاکاری
furnace	آتش خانه	1. cleaning water	آب طهور
1. warming-pan	[جای آتش] آشدان ^۱	2. purifying water	
2. hearth 3. brazier 4. fire box 5. fire altar		1. plating 2. electroplating	آب کاری
Ara	[صورت فلکی] آشدان ^۲	strike plating	آب کاری اولیه
1. flint 2. sillex	آتش زنه	contact plating	آب کاری تماسی
1. cremation cemetery	آتش سپارستان	1. dip plating 2. metal	آب کاری غوطه ای
2. urn field		replacement 3. immersion plating	
1. rematory 2. crematorium	آتش سپارگاه	brush plating	آب کاری قلمی
1. cremation	آتش سپاری	selective plating	آب کاری گزینشی
2. incremation 3. incineration		selective plating	آب کاری ناحیه ای
primary cremation	آتش سپاری در گور	hydrolysis	آب کافت
1. conflagration	آتش سوزی	hydrolyzable	آب کافت شدنی
2. inferno 3. firestorm		hydrolytic	آب کافتی
firebreak	آتش شکن	1. liquid 2. watery	آبکی
fire temple	آتشکده	1. drain 2. conduit	آب گذر
fire igniter	آتش گردان	hydrophobic	آب گریز
bolide	آتش گوی	1. basin 2. pool	آبگیر
inflammability	آتش گیری	glass	آبگینه
Holy Fire	آتش مقدس	pockmarking	آبله رنگ
antiquities	آثار باستانی	holy water	آب متبرک
historical relics	آثار تاریخی	holy water	آب مقدس
fiction	آثار داستانی	distilled water	آب مقطر
works of art	آثار هنری	hydrography	آب نگاری
indented	آجدار	1. fountain 2. water fountain	آب نما
brick	آجر	catena d'acqua	آب نمای پلکانی
rubbed brick	آجر آسباب	architectural fountain	آب نمای تزئینی
concrete brick	آجر بتونی	1. weather 2. climate	آب و هوا
glazed brick	آجر براق	territorial waters	آب های سرزمینی
projecting brick	آجر برجسته	deionized water	آب یون زدوده
hard brick	آجر بهی	apadana	آبادانا
1. bat 2. brickbat	آجر پاره	1. apartment 2. flat	آپارتمان
creeper	آجر پاطاق	fire	آتش

square brick	آجر خشتی	fired brick	آجر پخته
brick on bed	آجر خوابیده	brickyard	آجر پزخانه
handmade brick	آجر دست ساز	brickyard	آجر پزی
dovetail brick	آجر دم چلچله ای	backing brick	آجر پشت کار
1. arch brick 2. compass brick	آجر دُنبی	cownose brick	آجر پوزه گاوی
3. featheredge brick 4. radial brick		breeze brick	آجر بوکه
5. voussoir brick 6. angle brick		ajaraca	آجر پیرایی
quoin header	آجر دوپُر	gauged brick	آجر تراشیده
1. half bat 2. half brick	آجر دوقدی	solid brick	آجر توپُر
3. snap header		1. hollow brick	آجر توخالی
quoin header	آجر دونبش	2. perforated brick	
radial brick	آجر دوزنقه ای	1. ashlar brick 2. axed brick	آجر تیشه ای
clay brick	آجر رُسی	cut brick	آجر تیشه بر
1. facing brick 2. face brick	آجر روکار	clinker brick	آجر جوش
body brick	آجر زیره	bricklayer	آجر چین
rub brick	آجر ساب	1. brickwork 2. bond	آجر چینی
building brick	آجر ساختمانی	3. brick masonry 4. bricklaying	
hard brick	آجر سخت	all-stretcher bond	آجر چینی تمام راسته
slag brick	آجر سرباره	full bond	آجر چینی تمام کله
key brick	آجر سرباریک	1. diagonal bond	آجر چینی جناغی
coping brick	آجر سرپوش	2. herringbone bond	
cellular brick	آجر سوراخ دار	cross bond	آجر چینی چلیپایی
cement brick	آجر سیمانی	basketwork	آجر چینی حصیری
1. furred brick 2. keyed brick	آجر شیاردار	1. outbond	آجر چینی راسته
glass brick	آجر شیشه ای	2. longitudinal bond	
salmon brick	آجر صورتی	oblique bond	آجر چینی کلاغ پر
1. flooring brick 2. paving brick	آجر فرش	1. header bond 2. inbond	آجر چینی کله
1. brick pavement	آجر فرش	heart bond	آجر چینی کله سربه سر
2. brick flooring 3. paviour		inbond and outbond	آجر چینی کله و راسته
pressed brick	آجر فشاری		آجر چینی کله و راسته متناوب
molded brick	آجر قالبی	alternating Flemish bond	
red brick	آجر قرمز	honeycomb brickwork	آجر چینی لانه زنبوری
1. arch brick 2. compass brick	آجر قطاعی	reinforced brickwork	آجر چینی مسلح
3. featheredge brick 4. voussoir brick		fair-faced brickwork	آجر چینی نمادار
queen closer	آجر قلمدانی	brindled brick	آجر خال دار
bricklayer	آجر کار	adobe brick	آجر خام

arc brick	آجر هلالی	1. brickwork	آجر کاری
air brick	آجر هواکش	2. brick masonry 3. bricklaying	
problem-solving nuts	آجیل مشکل گشا	ajaraca	آجر کاری گود
1. end of time 2. apocalypse	آخر الزمان	patterned brickwork	آجر کاری منقش
3. end time 4. last day		blue brick	آجر کبود
Achernar	آخر النهر	flooring brick	آجر کف
1. afterlife 2. next world 3. futurity	آخرت	bull header	آجر کله قدنما
other-worldly	آخرت اندیش	cove header	آجر کله گود
other-worldly	آخرت بین	bull header	آجر کله لب گود
clergyman	آخوند	blind header	آجر کله نما
1. manners 2. mores	آداب	backed brick	آجر کم پخت
3. ritual 4. habitude 5. etiquette		angle closer	آجر کنج
social manners	آداب اجتماعی	backing brick	آجر گری
Islamic etiquette	آداب اسلامی	marl brick	آجر گلاهیکی
mirror of principles	آداب الملوك	cellular brick	آجر لانه زنبوری
ritualism	آداب پرستی	splay brick	آجر لب پخ
decorum	آداب دانی	1. glazed brick 2. enameled brick	آجر لعابدار
1. decorum 2. etiquette	آداب معاشرت	porous brick	آجر متخلخل
mores	آداب و رسوم	1. hollow brick 2. bottle brick	آجر مجوف
1. human 2. human being 3. man	[انسان] آدم ^۱	air brick	آجر مشبک
Adam	[ابوالبشر] آدم ^۲	sundried brick	آجر شمس
sociable	آدم اجتماعی	acid-resistant brick	آجر مقاوم به اسید
1. cannibalism 2. anthropophagy	آدم خواری	1. coign 2. quoin	آجر نیش
1. effigy 2. manikin 3. dwarf	آدمک	raw brick	آجر نپخته
murder	آدم کشی	1. rowlock 2. rolok 3. brick on edge	آجر نرّه
1. humanity 2. humaneness	آدمیت	soldier	آجر نرّه قدنما
aedicula	آدیکولا	1. firebrick	آجر نسوز
Friday	آدینه	2. refractory brick 3. fire brick	
	آدینه مقدس = آدینه نیک	brick pattern	آجر نگاره
Good Friday	آدینه نیک	1. face brick 2. facing brick	آجر نما
fire	آذر	1. brick facing 2. brick veneer	آجر نما
1. thunderbolt 2. lightning	آذرخش	brick slip	آجر نمای دوغایی
fireball	آذر گوی	adobe quemado	آجر نیم پخت
1. ornament 2. accompaniment	آذین	cownose brick	آجر نیم گرد
palmette	آذین برگ نخلی	soap	آجر نیم لای
honeysuckle ornament	آذین برگ ویچکی	1. bat 2. brickbat	آجر نیمه

decoration	آرایه‌گری	patera	آذین بشقابی
1. wish 2. desire	آرزو	decorating	آذین‌بندی
desiderative	آرزویی	patera	آذین ترنجی
architect	آرشیتهک	antepagment	آذین درگاه
national archives	آرشیو ملی	arabesque	آرابسک
1. reinforcement 2. reinforcing	آرمانتور	1. ornamentation 2. decorating	آراستن
rod 3. reinforcing bar 4. armature		1. ornamented 2. decorated	آراسته
reinforcement	آرمانتورگذاری	1. cemetery 2. mausoleum	آرامگاه
utopia	آرمان‌شهر	3. resting place 4. tomb	
utopianist	آرمان‌شهرگرا	step tomb	آرامگاه پله‌ای
utopianism	آرمان‌شهرگرایی	single chambered tomb	آرامگاه تک‌حجره‌ای
cultural ideal	آرمان فرهنگی	cruciform chamber	آرامگاه چلیپایی
idealist	آرمان‌گرا	multi-chambered tomb	آرامگاه چندحجره‌ای
idealistic	آرمان‌گرایانه	1. chamber tomb	آرامگاه حجره‌ای
idealism	آرمان‌گرایی	2. chambered tomb	
ideal	آرمانی		آرامگاه حجره‌ای چاهی
idealization	آرمانی‌سازی	shaft-and-chambered tomb	
free	آزاد	platform tomb	آرامگاه سکویی
freedom of spirit	آزادگی	rock-cut tomb	آرامگاه صخره‌ای
liberalism	آزادمنشی	rock-cut tomb	آرامگاه صخره‌کند
freedom	آزادی	1. beehive tomb	آرامگاه کندویی
liberalism	آزادی‌خواهی	2. tholos tomb	
civil liberty	آزادی فردی	mausoleum	آرامگاه یادمانی
asbestos	آزبست	comic relief	آرامه خنده‌دار
modesty	آزرم	Aramean	[قوم] آرامی ^۱
1. examination 2. test	آزمایش	Aramaic	[زبان] آرامی ^۲
plate bearing test	آزمایش باربری ورقی	make-up	[چهره] آرایش ^۱
test	آزمون	arrangement	[زبان] آرایش ^۲
bench-scale testing	آزمون آزمون‌سازی	electron configuration	آرایش الکترونی
	آزمون آشکارسازی تردش	decorative	آرایی
embrittlement-detector test		public opinion	آرای عمومی
	آزمون انجماد شتاب یافته	1. decoration 2. décor	آرایه
accelerated freezing test		3. ornament 4. appliqué	
bearing test	آزمون باربری	altarpiece	آرایه پرواره
impact test	آزمون برخورد	taxonomy	آرایه‌شناسی
acceptance test	آزمون پذیرش	decorator	آرایه‌گر